



## Majaz in the Qur'an and Its Conditions with Emphasis on the viewpoint of Allameh Tabatabaei

Nasrin Ansarian<sup>1</sup>

Received: 05/02/2021

Accepted: 22/02/2021

### Abstract

Many religious teachings and instructions for life in Islam are derived from the Holy Qur'an, which is considered as Al-Thiql al-Akbar. Therefore, identifying the teachings of the Qur'an from the beginning of Islam until now under the title of "interpretation of the Qur'an" has been and is the focus of attention of Muslims, especially thinkers of Qur'anic sciences. One of the sciences required for interpretation is "Balaghah (eloquence)" and "Bayan (the science which deals with patterns of speech that aims to get a sentence that can not only be understood but also be beautiful)" is one of its techniques. The topics of truth and Majaz (metonymy) are two of the issues of bayan. This topic has a special place due to its direct impact on the interpretation of the Qur'an. Therefore, proving majaz is important in the Qur'an. On the other hand, due to the scientific acceptance of Allameh Tabatabaei in the Qur'an interpretation community and considering some verses as majaz by him, it is necessary to obtain his views in this regard. Therefore, this is the purpose of this study. In most cases, in addition to Al-Mizan Fi Tafsir Al-Quran, the sources of research data are interpretive, eloquent, and lexical books. Based on the descriptive-analytical method, the findings of this study indicate that the necessary reasons given by the majaz proponents in the

---

1 . Level four of Islamic Seminary (PhD) in Comparative Interpretation, Lecturer and Researcher of Al-Zahra University. nasrin.ansarian@yahoo.com

---

\*Ansarian, N. (2021). Majaz in the Qur'an and Its Conditions with Emphasis on the viewpoint of Allameh Tabatabaei. Quarterly Journal of Studies of Qur'anic Sciences, 2(6), pp. 162-180.  
Doi: 10.22081/jqss.2021.60090.1102

Qur'an are some verses, narrations, and majaz being as more eloquent. The reasons for the majaz opponents in the Qur'an, such as considering majaz as being a lie, its negation, the fall of the authority and the miracle of the Qur'an, are negative and negligible reasons. While accepting these reasons, Allameh Tabatabaei accepts "majaz in some verses" if they are symmetrical and effective in interpreting the verse.

**Keywords**

Proving Majaz, proponents, opponents, Allameh Tabatabaei.



## مجاز در قرآن و شرایط آن با تأکید بر دیدگاه علامه طباطبایی

نسرتین انصاریان<sup>۱</sup>

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۰۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۱۷

### چکیده

بسیاری از معارف دینی و دستورهای زندگی در دین اسلام، از قرآن کریم که ثقل اکبر است، به دست می‌آیند؛ از این رو شناخت آموزه‌های قرآن از صدر اسلام تا کنون با عنوان «تفسیر قرآن» کانون توجه مسلمانان به‌ویژه اندیشمندان علوم قرآنی بوده و هست. یکی از علوم مورد نیاز تفسیر، «بلاغت» است و «علم بیان» یکی از فنون آن است. بحث حقیقت و مجاز یکی از مسائل علم بیان است. این بحث به دلیل تأثیر مستقیم در تفسیر قرآن جایگاه ویژه‌ای دارد؛ از این رو اثبات مجاز در قرآن اهمیت دارد. از طرفی به دلیل مقبولیت علمی علامه طباطبایی رحمته‌الله در جامعه تفسیری و مجاز دانستن برخی آیات از جانب ایشان دستیابی به دیدگاه‌های ایشان در این مورد ضروری است؛ از این رو رسیدن به این مطلب هدف این پژوهش است. منابع داده‌های پژوهش در بیشتر موارد علاوه بر کتاب المیزان فی تفسیر القرآن، کتاب‌های تفسیری، بلاغی و لغوی هستند. بر اساس روش توصیفی - تحلیلی یافته‌های این پژوهش به این اشاره دارند که دلایل ایجابی از طرف موافقان مجاز در قرآن برخی آیات، روایات و بلیغ‌تربودن مجاز نسبت به حقیقت است و دلایل مخالفان مجاز در قرآن مانند دروغ‌بودن مجاز، قابل نفی بودن آن، سقوط حجیت و سقوط اعجاز قرآن، دلایل سلبی و قابل نفی‌اند. علامه طباطبایی رحمته‌الله ضمن پذیرش این دلایل، «مجاز در برخی آیات» را در صورت قرینه‌داشتن و مؤثر بودن در تفسیر آیه می‌پذیرد.

### کلیدواژه‌ها

اثبات مجاز، موافقان، مخالفان، علامه طباطبایی رحمته‌الله.

nasrin.ansarian@yahoo.com

۱. سطح ۴ رشته تفسیر تطبیقی، مدرس و پژوهشگر جامعه الزهرا.

\* انصاریان، نسرتین. (۱۳۹۹). اثبات «مجاز در قرآن» و مشخص کردن شرایط آن از دیدگاه علامه طباطبایی. فصلنامه علمی - تخصصی مطالعات علوم قرآن، ۲(۶)، صص ۱۶۲-۱۸۰.

Doi: 10.22081/jqss.2021.60090.1102

## مقدمه

مجاز از بهترین ابزارهای کلامی است که انسان به آن راه پیدا کرده و با استمداد از آن هم می‌تواند برخی معانی را روشن کند و هم به دلیل تعبیرهای دقیق و لطیف در آن، تاثیر بیشتری بر نفس داشته باشد؛ از این رو، بیشتر انسان‌ها در طول اعصار به آن گرایش داشته‌اند. عرب‌زبانان نیز با بهره‌گیری از مجاز معانی شگفت و والایی را پدید آورده‌اند و سخنرانی‌ها و سروده‌هایشان را به آن آراسته‌اند.

در طول تاریخ اسلام و از زمانی که بحث «حقیقت و مجاز در کلام عرب» وارد محافل علمی اندیشمندان اسلامی شده، همواره موافقان و مخالفانی برای «وجود مجاز در قرآن» وجود داشته است که به نظریه‌پردازی و بحث و جدل پیرامون این مسئله پرداخته‌اند.

علامه طباطبایی از موافقان مجاز در قرآن است که در کتاب المیزان فی تفسیر القرآن در برخی موارد با ذکر دلایل و وجود شرایطی خاص برخی آیات را از باب مجاز دانسته است. مسئله اصلی در این نوشته عبارتست از: راه‌های اثبات مجاز در قرآن و مشخص کردن شرایط آن از دیدگاه علامه طباطبایی.

### ۱. اهمیت و ضرورت پژوهش

در عصر حاضر وسایل ارتباطی و اطلاع‌رسانی پیشرفت فراوانی داشته و امکان شیوع سریع عقاید باطل و آموزه‌های ناصحیح بیش از زمان‌های دیگر است و قائل بودن یا نبودن به حقیقت یا مجاز در معنای برخی آیات با عقاید مسلمانان ارتباط مستقیم دارد.

علاوه بر آن برخی موافقان مجاز در قرآن در گستره مجاز بودن معانی الفاظ قرآنی افراط کرده و بر همین اساس در معنای آیات دخل و تصرف کرده‌اند. برای عنوان نمونه، برخی برای آیه «السَّارِقُ وَ السَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا؛ مرد و زن دزد دستشان را قطع کنید» (مانده: ۳۸) که مراد، معنای حقیقی آن یعنی قطع کردن دست سارق است، قائل به معنای مجازی شده و مراد از آن را بازداشتن و کوتاه کردن دست از سرقت گرفته‌اند (کمالی دزفولی، ۱۳۷۲، ص ۳۰۰). بنابراین، اثبات مجاز در قرآن و مشخص کردن شرایط آن اهمیت دارد.

از طرفی، علامه طباطبایی از علمای بزرگ معاصر است که در همه علوم اسلامی صاحب نظر است و علاوه بر جامعه تفسیری، اقشار مختلف جامعه نیز ایشان را به عنوان فیلسوف قرن پذیرفته‌اند و برای دیدگاه‌های ایشان توجه خاصی قائل هستند. بنابراین، ضرورت موضوع این است که در این برهه از زمان برای بهره‌بری صحیح از کلام الهی و دستیابی به عقائد و اخلاق صحیح دینی و ممانعت از ورود عقائد فاسد به ذهن، لازم است معنای حقیقی یا مجازی آیات و به دنبال آن شرایط پذیرش مجاز در قرآن شناخته شود و یکی از بهترین راه‌های رسیدن به این هدف بررسی دقیق آرای علامه طباطبایی، مفسر معاصر، در المیزان است.

## ۲. پیشینه پژوهش

بحث مجاز نخستین بار در اوائل قرن سوم توسط «ابو عبیده معمر بن مثنی» (م ۲۰۹ق) در کتاب مجاز القرآن مطرح شد. پس از وی جاحظ (م ۲۵۵ق) در کتاب الحیوان، ابن قتیبه (م ۲۷۶ق) در کتاب تأویل مشکل القرآن، سید رضی (م ۴۰۶ق) در کتاب تلخیص البیان فی مجازات القرآن، قاضی عبدالجبار (م ۴۱۵ق) در دو کتاب خود، تنزیه القرآن عن المطاعن و متشابه القرآن ادامه دهنده بحث مجاز در قرآن بودند.

عبدالقاهر جرجانی (م ۴۷۲ق) نیز از قائلان به مجاز و از پایه‌گذاران دو علم «معانی و بیان» است که برای سامان دادن به این علوم، قرآن را کانون توجه و تحقیق خود قرار داد و کتاب دلائل الاعجاز را در علم معانی و اسرار البلاغه را در علم بیان تدوین کرد.

مقالات فراوانی نیز در مورد انواع مجاز در قرآن، کاربرد مجاز در قرآن، موافقان و مخالفان مجاز در قرآن و .... نوشته شده است. یکی از این مقالات، که از نظر موضوعی به بحث این نوشته نزدیک است، مقاله «ابن تیمیه و انکار مجاز در قرآن» نوشته مرتضی نادری در فصلنامه سفینه شماره ۲۹ است که در آن پس از تعریف حقیقت و مجاز و بررسی دیدگاه مشهور، به تحلیل دلیل‌های موافقان این تقسیم‌بندی و آمدن مجاز در قرآن پرداخته شده است، سپس اشکالات عمومی مخالفان و پاسخ آنها ذکر و پس از

آن مهم‌ترین اشکالات ابن تیمیه تبیین و نقد شده است.

تفاوت نوشته حاضر با آن مقاله در این است که اثبات مجاز در قرآن را به دو طریق ایجابی و سلبی تقسیم کرده و پس از آن شرایط قائل شدن به مجاز از دیدگاه مفسر معاصر علامه طباطبایی بیان می‌شود.

### ۳. روش پژوهش

این پژوهش با بهره‌مندی از روش تحقیق عقلی به روش گردآوری کتابخانه‌ای و با پردازش توصیفی تحلیلی بوده است که با مراجعه به اسناد و آثار مکتوب فیش‌برداری شده و پس از پردازش فیش‌ها محتوای هر کدام در جای مناسب خود قرار گرفته است. منابع استفاده شده در بیشتر موارد کتب تفسیری، روایی، فقهی، اصولی، علوم قرآنی، لغوی و ادبی بوده و به منظور بیان صحیح آیات و روایات و ثبت دقیق اعراب‌های آنها از نرم‌افزارهای مرکز کامپیوتری نور استفاده شده است. به دلیل گستردگی مطالب و به‌خاطر فرجه نشدن مقاله و خارج نشدن آن از حد استناد دارد، اکثر نقل قول‌ها، نقل به معنا و به صورت غیرمستقیم و با تلخیص بیان گردیده است.

### ۴. سؤالات پژوهش

علامه طباطبایی به عنوان یکی از موافقان مجاز در قرآن در تفسیر برخی آیات، از مجاز بهره برده است. این پژوهش به دنبال آن است که «علامه در چه شرایطی مجاز در قرآن را پذیرفته و محدوده پذیرش مجاز از دیدگاه ایشان چیست؟» لازمه رسیدن به پاسخ آن است که در ابتدا برای پی بردن به دلایل ایجابی، دلایل موافقان مجاز در قرآن مشخص شود و برای پی بردن به دلایل سلبی، دلایل مخالفان مجاز در قرآن مشخص و سپس نقد گردد و گام‌های رسیدن به این مقصد پاسخ‌گویی به سؤال‌های زیر است:

- دلایل ایجابی پذیرش مجاز در قرآن چیست؟
- دلایل سلبی پذیرش مجاز در قرآن چیست؟
- شرایط علامه طباطبایی برای پذیرش مجاز در قرآن چیست؟

## ۵. معنای مجاز

ریشه اصلی «مجاز» عبارست از «ج.و.ز» که به معنای «عبور کردن و گذشتن» است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۶، ص ۱۶۵؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۱۱). واژه «مجاز» اسم مکان از همان ریشه است و به معنای «راه گذر» و «راهی که از طریق آن، از طرفی به طرف دیگر عبور می‌کنند» می‌باشد (فیروزآبادی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۲۷۴؛ مرتضی زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۸، ص ۳۵).

معنای اصطلاحی مجاز در نزد بلاغیان چنین است: کلمه‌ای که در معنای «غیرما وضع له» به دلیل علاقه بین معنای دوم با اول به کار رود و قرینه‌ای دلالت بر این معنا کند (مطلوب، بی‌تا، ص ۵۹۰).

رابطه بین معنای لغوی و اصطلاحی مجاز عام و خاص است و معنای لغوی اعم از معنای اصطلاحی است. در این نوشته مراد از «مجاز» معنای اصطلاحی آن در علم بلاغت است.

۱۶۶

مطالعات قرآنی

## ۶. موافقان مجاز در قرآن

موافقان وجود مجاز شامل جمعی از مفسران (ابوالفتح رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۷، ص ۲۸؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۵۵؛ طبرسی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۲۷؛ طوسی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۴۰؛ ابن‌عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۱، ص ۹۱؛ زحیلی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۳۹) اندیشمندان علوم قرآنی (سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۳۷۷؛ زرکشی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۳۷۷) بلاغیان (مدرس افغانی، ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۶۸؛ هاشمی، ۱۳۸۱، ص ۲۳۱) و لغویان (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۱۲۴؛ مدنی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۱۱۵؛ مرتضی زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۸) می‌شوند.

سال سوم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۹

### ۶-۱. دلایل موافقان مجاز در قرآن

اولین راه اثبات وجود مجاز در قرآن بیان دلایل ایجابی است که برای رسیدن به این هدف ابتدا می‌بایست موافقان مجاز در قرآن معرفی شده و پس از آن دلایل موافقت آنان بیان و تقویت شود. با توجه به بررسی‌هایی که در این زمینه صورت گرفت به نظر می‌رسد موافقان مجاز در قرآن به علت بدیهی دانستن وجود مجاز در قرآن دلیل

صریحی برای گفته خود بیان نکرده‌اند، زیرا وجود مجاز در کلام عرب و سایر زبان‌ها از گفتارها و نوشتارهای آنان به خوبی مشهود است، اما می‌توان در آیات و روایات، هم چنین در لابلای سخنان موافقان مجاز مؤیدهایی برای وجود مجاز در قرآن ذکر کرد. اولین مؤید برای وجود مجاز در قرآن آیات است، زیرا مضمون برخی آیات حاکی از آن است که ارسال هر نبی به زبان قومش بوده است (ابراهیم، ۴) و بنابر آیاتی دیگر زبان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عربی بوده (یوسف، ۲؛ طه، ۱۱۳؛ فصلت، ۳؛ شوری، ۷؛ احقاف، ۱۲) و به گفته ادیبان عرب، زبان عربی سرشار از روش‌ها و اسلوب‌های بلاغی است که یکی از آن اسلوب‌ها مجاز است، بنابراین، وجود مجاز در قرآن حتمی است.

دومین مؤید وجود مجاز در قرآن، روایات تفسیری است، زیرا مضمون برخی روایات تفسیری به این صورت است که هنگامی از امام معصوم علیه السلام پیرامون تفسیر آیه‌ای سؤال می‌شد، به گونه‌ای آیه را تبیین می‌کرد که حاکی از مجاز بودن آن است برای نمونه در روایتی از امام صادق علیه السلام چنین آمده است: عن ابی بصیر قال: قلت لأبی عبد الله علیه السلام قوله (تعالی): هذا کتابنا ینطق علیکم بالحق. قال: إنَّ الكتاب لا ینطق، و لكن محمد و أهل بیته علیهم السلام هم الناطقون بالکتاب، و هذا علی سبیل المجاز تسمیة المفعول باسم الفاعل، إذ جعل الكتاب هو الناطق و الناطق غیره؛ ابی بصیر می‌گوید از ابی عبدالله در مورد آیه «هذا کتابنا ینطق علیکم بالحق» پرسیدم، امام علیه السلام فرمود کتاب نطق نمی‌کند، بلکه محمد صلی الله علیه و آله و اهل بیتش نطق می‌کنند. برخی در توضیح روایت گفته‌اند: از باب «مجاز» اسم مفعول اسم فاعل نامیده شده، زیرا کتاب ناطق قرار داده شده در صورتی که ناطق غیر اوست (قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۱۲، ص ۱۶۱).

در این روایت معصوم علیه السلام معنای عبارت «کتابنا ینطق» را ناطق بودن ائمه علیهم السلام دانسته‌اند و شارحان روایت اسناد نطق کردن به کتاب را مجاز دانسته‌اند، زیرا «کتاب» مفعول به است که در آیه به جای فاعل قرار داده شده است.

سومین مؤید برای وجود مجاز در قرآن بلیغ‌تر بودن مجاز نسبت به حقیقت است، زیرا بلاغیان مجاز و کنایه را بلیغ‌تر از حقیقت و تصریح می‌دانند و در این رابطه آورده‌اند که: مراد از بلیغ‌تر بودن این نیست که معنای بیشتری را برساند، بلکه مراد



رساندن همان معنا با تأکید و مبالغه است (تفتازانی، ۱۳۷۶، ص ۲۶۳). شبیه این سخن را برخی مفسران نیز بیان کرده و جایگاه مجاز را بالاتر از حقیقت دانسته‌اند (طوسی، بی تا، ج ۳، ص ۳۸). هنگامی که مجاز از حقیقت والاتر و بلیغ تر است شایسته است کتاب الهی که ارزشمندتر از همه کتاب‌ها است حاوی مجاز باشد.

## ۷. مخالفان وجود مجاز در قرآن

مخالفان مجاز را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد.

گروه اول کسانی هستند که منکر وجود مجاز در زبان عرب و قرآن هستند. رهبر فکری این گروه بیش از همه ابن تیمیّه است که در کتاب «الایمان» بحثی طولانی از حقیقت و مجاز به میان آورده و تقسیم الفاظ به حقیقت و مجاز را باطل دانسته است. وی به کارگیری عنوان اصطلاحی «مجاز» در مقابل حقیقت را ابتکار معتزله و متکلمان می‌داند و گروهی از اصحاب را نام می‌برد که وجود مجاز در قرآن را منع کرده‌اند، مانند ابی حنین جزری، ابی عبدالله بن حامد، ابی الفضل التیمی و منذر بن سعید البلوطی و... او در کتابش ادعا کرده که هیچ‌یک از قدماء اصحاب نه مالک نه شافعی و نه ابوحنیفه سخنی در مورد مجاز در قرآن نگفته‌اند (ابن تیمیه الحرانی، ۱۴۱۶ق، ص ۷۴).

وی سپس به بحث پیرامون آیاتی می‌پردازد که گروهی آنها را مجاز دانسته‌اند و همه آن موارد را «مشترک معنوی» قلمداد می‌کند و مدعی است که هر لفظی باید بنابر نظر عرف معنا شود و معنای عرفی گاهی اعم از معنای لغوی، گاهی اخص و گاهی مباین با آن است.

برای معنای عرفی که اعم از معنای لغوی است «رقبه» و «رأس» را مثال می‌زند که معنای لغوی آن عضو خاصی از بدن است، اما در زبان عرف در معنای «تمام بدن» استعمال می‌شود. برای معنای عرفی که اخص از معنای لغوی است «دابه» را مثال می‌زند که معنای لغوی آن «حیوان جنبنده روی زمین» است، اما در زبان عرف در معنای «ذوات اربعه» به کار می‌رود و برای معنای عرفی که مباین با معنای لغوی است به «غائط» اشاره می‌کند که معنای لغوی آن «مکانی در زمین برای قضاء حاجت» است اما در زبان

عرف به معنای «آنچه از انسان دفع می‌شود» به کار می‌رود (ابن تیمیه الحرانی، ۱۴۱۶ق، صص ۷۹-۸۰) به این وسیله ابن تیمیه برای هر مجازی نوعی معنای عرفی قائل شده و کلام موافقان مجاز را رد می‌کند.

پس از ابن تیمیه، شاگردش «ابن قیم» در کتاب «الصواعق المرسله علی الجهمیة و المعطلة» پنجاه دلیل برای انکار مجاز ذکر کرده و مجاز را «طاغوت سوم» می‌نامد (ر.ک: ابن قیم، ۱۴۲۵ق، ص ۵).

از معاصران «محمد امین شنیطی» در کتاب «منع جواز المجاز فی المنزل للتعبید و الاعجاز» به دفاع از این نظریه پرداخته در این کتاب نویسنده ابتدا اختلاف در وقوع مجاز در لغت را ذکر کرده و هرچه را که «مجاز» نامیده‌اند اسلوبی از اسلوب‌های زبان عربی می‌داند در ادامه قائل شدن به مجاز در قرآن را وسیله‌ای برای نفی صفات خدا می‌شمارد (ر.ک: شنیطی، بی‌تا، ص ۳۷).

یکی دیگر از دانشمندان معاصر مخالف مجاز در قرآن «حسن مصطفوی» است که کتاب «التحقیق فی کلمات القرآن الکریم» را در شرح واژگان قرآن نگاشته و برای هر واژه معنایی عام ارائه داده و به این وسیله هرگونه معنای مجازی در قرآن را انکار کرده است. او پس از این کتاب بر اساس دیدگاه‌های واژه‌شناسی خود و تأکید بر مجاز نبودن کلمات قرآن کتاب «تفسیر روشن» را در شانزده جلد نوشته در جلد اول در بیان ویژگی‌های تفسیرش دوازده مقدمه نوشته که در مقدمه دوم آورده است: ما معتقدیم تمام کلمات قرآن در معنای حقیقی استعمال شده‌اند و معنای مجازی در کلام خداوند نیست (مصطفوی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۶) نمونه دیدگاه وی در این رابطه سخنان وی پیرامون آیه ۹۹ سوره اعراف است: «أَفَأَمِنُوا مَكْرَ اللَّهِ فَلَا يُأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ؛ مگر از مکر و تدبیر خدا ایمن شده‌اند؟ که جز گروه زیان‌کاران از تدبیر خدای ایمن نمی‌شوند» برخی می‌گویند واژه «مکر» در این آیه برای «فروود آمدن ناگهانی عقوبت بر کافران» استعاره آورده شده است (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۳۵)؛ اما مصطفوی استعاره بودن آن را نپذیرفته و معتقد است که «مکر» به معنای «تدبیر برای اضرار به دیگری» است، پس لازم نیست در آیه استعاره گرفته شود (مصطفوی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۸).

۱۶۹

مجله مطالعات قرآنی

مجاز در قرآن و شرایط آن با تأکید بر دیدگاه علامه طباطبائی

از پیروان دیگر این نظریه در عصر حاضر سلفیان هستند که از جریان‌های عمده و فعال ظاهرگرا بوده و به شدت مدافع این مبنا می‌باشند.

گروه دوم از مخالفان مجاز در قرآن قائل به تفصیل شده‌اند و وجود مجاز در زبان عرب را پذیرفته و وجود آن را در قرآن انکار کرده‌اند، از جمله این افراد «داوود ظاهری» و فرزندش «ابوبکر محمد ظاهری» است (المطعنی، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۶۲۲) «ابن القاص» از علمای شافعی و «ابن خویز منداد» از مالکیان نیز جزء این گروه هستند، این گروه معروف به «ظاهریه» هستند (زرکشی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۳۷۷).

انکار مجاز در قرآن تنها مخصوص گروه‌های ذکر شده، نیست، بلکه عرفا نیز با تقریر خاصی منکر وجود مجاز در قرآن هستند و آن تقریر این که در نزد اهل کشف و شهود، آیات قرآن همه حقیقت است و مجاز در قرآن وجود ندارد، اما نزد اهل نظر و اعتبار، قرآن جاری مجرای زبان عرب است و در آن مجاز وجود دارد (ابن عربی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۱۴).

۱۷۰  
مخالفان مجاز

## ۱-۷. دلایل مخالفان مجاز در قرآن

مخالفان مجاز در قرآن برای دیدگاه خود دلایلی ذکر کرده‌اند از جمله:

الف) مجاز دروغ است و دروغ گفتن از جانب خدا محال است (زحیلی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۴۱).

ب) هر مجازی قابل نفی است، پس لازمه مجاز در قرآن نفی آن عبارت است، در صورتی که نفی هیچ عبارتی از قرآن جایز نیست (شنقیطی، ۱۴۲۷ق، صص ۳۶-۳۷).

ج) پذیرش مجاز موجب سقوط حجیت قرآن می‌شود (مصطفوی، ۱۳۸۱ق، ص ۸).

د) پذیرش مجاز اعجاز قرآن را از بین می‌برد (مصطفوی، ۱۳۸۱ق، ص ۸).

## ۲-۷. نقد دلایل مخالفان مجاز در قرآن

همه دلایل گفته شده قابل نقد است، زیرا انسان‌ها در هر عصری برای تفهیم و تفاهم با یکدیگر نیاز به مفاهیم جدیدی پیدا می‌کنند و برای دستیابی به این مفاهیم گاهی

واژه جدیدی ابداع می‌کنند (مانند «رایانه» در زبان فارسی) گاهی واژه‌های زبان بیگانه را وارد زبان خود می‌کنند (مانند تلفن) و گاهی همان الفاظ زبان خود را در قالب مجاز به کار می‌گیرند (مانند به کار گرفتن واژه «شیر» برای «شجاع»)، در قرآن نیز برای بیان برخی مفاهیم و به دلایل گوناگون از این روش‌ها استفاده شده در نتیجه وجود مجاز در قرآن امری قابل تصور است و هیچ یک از دلایلی که برای انکار مجاز در قرآن بیان شده قابل پذیرش نیست؛ لذا برخی اندیشمندان قرآنی به رد همه یا برخی از این دلایل پرداخته‌اند از جمله:

الف) کذب بودن مجاز را این گونه رد کرده‌اند که اگر مجاز کذب باشد، هر فعلی که به حیوان، گیاه یا اشیاء نسبت داده می‌شود کذب است، در صورتی که در زبان عرب این اسانداها فراوان دیده می‌شود، مانند «نبت البقل» و کسی نیز آن را کذب نمی‌داند. از این موارد در برخی آیات نیز دیده می‌شود، از جمله در آیه «... جِدَاراً يَرِيْدُ أَنْ يُنْفِضَ...» «... دیواری یافتند که می‌خواست بیفتد...» (کهف، ۷۷) که از باب مجاز «اراده به «جدار» نسبت داده شده است، پس واقع شدن مجاز صحیح است و موجب کذب هم نیست (ابن قتیبه، ۱۴۲۳ق، ص ۸۵).

برخی نیز این اشکال را این گونه رد کرده‌اند که مجاز گو قرینه‌ای می‌آورد که نتوان کلام را بر معنای ظاهری و حقیقی حمل کرد، اما دروغ گو هیچ وقت قرینه‌ای بر خلاف دروغ خود نمی‌آورد، بلکه برعکس از هر وسیله‌ای برای اثبات راست جلوه‌دادن دروغش استفاده می‌کند (سکاکی، بی‌تا، ص ۱۹۸).

ب) دلیل «نفی قرآن در صورت قائل شدن به مجاز» را این گونه رد کرده‌اند که نفی دو کاربرد دارد؛ یک کاربرد فلسفی که مراد نفی موجود خارجی است و یک کاربرد بلاغی که مراد نفی معنای موضوع‌له است. اگر مراد مستشکل نفی به معنای فلسفی باشد، نزاعی در این مطلب نیست؛ اما در اینجا مراد نفی و انکار معنای حقیقی و موضوع‌له لفظ است و نفی آن خلاف وجدان و ارتکاز ذهنی است (معرفت، ۱۳۸۵، صص ۱۲۶-۱۲۸).

ج) سقوط حجیت را این گونه رد کرده‌اند که قائل شدن به مجاز در صورت وجود

قرینه است و در این صورت «مجاز» مانند «حقیقت» دلالت ظاهری دارد و حجت است (ابن قتیبه، ۱۴۲۳ق، ص ۱۳۴).

د) بر دلیل از بین رفتن اعجاز نیز این گونه نقد وارد شده که یک وجه از اعجاز قرآن بلاغت است که دارای اسلوب‌هایی مانند حذف و ذکر، تقدیم و تاخیر، حقیقت و مجاز و ... است، بنابراین، به کارگیری آن اسلوب‌ها نه تنها نشانه عجز نیست، بلکه نشانه توانایی و برتری و به عجز آوردن دیگران است (محمدی بامیانی، بی تا، ج ۱، ص ۵۳).  
برخی پا را فراتر گذاشته و معتقدند که مجاز یکی از اسلوب‌های برجسته کلام است و اگر قرآن بدون مجاز بود، نیمی از زیبایی آن ساقط می شد (زرکشی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۳۷۵؛ شریف الرضی، ۱۴۰۶ق، ص ۵۵؛ سیوطی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۲۹).

بنابراین هیچ یک از دلایل مخالفان مجاز قابل قبول نیست و قول صحیح «وجود مجاز در قرآن» است.

## ۸. شرایط وجود مجاز در قرآن از دیدگاه علامه طباطبایی

علامه طباطبایی موافق مجاز در زبان عرب و در قرآن هستند. ایشان مجاز را دروغ نمی دانند و دیدگاه افرادی که مجاز را به علت اینکه معانی وهمی غیرواقعی هستند دروغ می پندارند، این گونه رد می کنند: معانی وهمی در عین حال که غیرواقعی هستند آثار واقعی دارند، به گونه ای که اگر یکی از این معانی وهمیه اثر خارجی (مناسب با اسباب و عوامل وجود خود) نداشته باشد، از نوع این معانی نبوده و غلط حقیقی یا دروغ حقیقی خواهد بود (شریعتی سزواری، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۲۳۳).

البته ایشان شرایط خاصی را برای پذیرش مجاز در قرآن در کتاب «المیزان فی تفسیر القرآن» قائلند که گستره بیان مجازهای قرآن را در کتاب تفسیرشان در چارچوب خاصی قرار داده است با توجه به سخنان ایشان نکات به دست آمده به شرح زیر است:

### ۸-۱. بیان مجاز در آیه به شرط نقش داشتن آن در تفسیر

اولین شرط علامه طباطبایی برای مجاز دانستن آیه این است که مجاز نکته یا مطلبی

را روشن کند (اوسی، ۱۳۸۱، ص ۱۶۵) ایشان اگر مجاز تنها جنبه ادبی داشته باشد عنایتی به ذکر آن در تفسیر نداشتند به عنوان مثال در تفسیر آیه «وَلَمَّا جَاءَ مُوسَى لِمِيقَاتِنَا وَكَلَّمَهُ رَبُّهُ قَالَ رَبِّ أَرِنِي أَنْظُرْ إِلَيْكَ قَالَ لَنْ نَرَاكَ وَنَحْنُ نَعْبُدُكَ وَأَنْتَ تَعْلَمُ الْغُيُوبَ» و چون موسی به وعده گاه ما آمد و پروردگارش با او سخن گفت، عرض کرد: پروردگارا خودت را به من بنما که ترا بنگرم، گفت: هرگز مرا نخواهی دید» (اعراف، ۱۴۳) آورده‌اند که در این آیه خداوند از علم ضروری خود به رؤیت و لقاء تعبیر فرموده و بحث در مورد این که این تعبیر به نحو حقیقت است یا مجاز، دارای اهمیت و مورد احتیاج نیست، تنها اگر به نحو حقیقت باشد قرائن مذکور در آیه قرائن معینه و اگر مجاز باشد قرینه صارفه خواهد بود (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۸، ص ۲۴۱).

همین طور در تفسیر آیه «يُنزِّلُ الْمَلَائِكَةَ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ» فرشتگان را که حامل وحی از فرمان اوست به هر کس از بندگان خویش بخواهد نازل می‌کند» (نحل: ۲) قول برخی مفسران را بیان می‌کنند که معتقدند روح در این آیه از باب مجاز به معنای وحی یا قرآن (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶، ص ۳۴۹) و به قول بعضی دیگر به معنای نبوت است (ر.ک: طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶، ص ۳۴۹) سپس می‌فرمایند بحث از اطلاق لفظ روح بر این معنا که اطلاق حقیقی است یا مجازی بحث‌های ادبی هستند و در پی بردن به حقایق، اثر چندانی ندارند (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۲، ص ۲۰۷).

## ۲-۸. پذیرش مجاز به شرط وجود قرینه

دومین شرط علامه طباطبایی برای پذیرش مجاز وجود قرینه است وی در صورت بیان شبهه مجاز در آیه از طرف برخی مفسران، آن را به دلیل عدم قرینه رد کرده و قائل به معنای حقیقی هستند.

به عنوان مثال قول مفسرانی که مراد از امت را از باب مجاز «دین» می‌دانند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۶۲؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۲، ص ۲۱۹) به دلیل عدم قرینه رد می‌کنند (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۲، ص ۲۵۸) در تفسیر آیه «... مَا لَكُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا شَفِيعٍ؛ ... جز او سرپرست و شفيعی ندارید» (سجده، ۴). چهار دیدگاه از مفسران را آورده‌اند دیدگاه

مرتبط با بحث اینکه بعضی گفته‌اند: کلمه «شفیع» در آیه مجاز و در معنای «ناصر» استعمال شده و معنا این است که شما ولی و ناصری غیر از خدا ندارید (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۳۲۶) ایشان مجاز بودن این آیه را نیز به دلیل عدم قرینه نپذیرفته‌اند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۶، ص ۲۴۶) وی به همین منوال در جاهای دیگر نیز همین نظر را دارند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۲، ص ۲۵۸ و ج ۱۳، ص ۳۲۷).

### نتیجه گیری

- دلایل ایجابی برای اثبات مجاز در قرآن که از طرف موافقان مجاز در قرآن بیان شده برخی آیات، روایات تفسیری و بلیغ‌تربودن مجاز نسبت به حقیقت را از دلایل وجود مجاز در قرآن می‌دانند.
- مخالفان مجاز دو گروه هستند؛ گروهی منکر وجود مجاز در زبان عرب و در قرآن هستند و گروه دیگر وجود مجاز در زبان عرب را پذیرفته و مجاز در قرآن را انکار می‌کنند.
- دلایل سلبی برای اثبات مجاز در قرآن انکار و نقد برخی دلایل منکران مجاز در قرآن است مانند: دروغ بودن مجاز، قابل نفی بودن آن، سقوط حجیت و سقوط اعجاز قرآن است.
- علامه طباطبایی مجاز را دروغ نمی‌دانند، از این رو در تفسیر «المیزان فی تفسیر القرآن» در مواردی که مجاز در آیه تنها جنبه ادبی نداشته و در تفسیر آیه مؤثر است به آن اشاره کرده‌اند.
- علامه طباطبایی مجاز بدون قرینه را نپذیرفته و بر تفسیرهایی که قائل به این نوع مجاز هستند اشکال وارد کرده‌اند.

## فهرست منابع

۱. ابن تیمیة الحرانی، احمد بن عبد الحلیم بن عبد السلام. (۱۴۱۶ق). الایمان (چاپ پنجم). بیروت: المکتب الاسلامی.
۲. ابن قیم، محمد بن محمد بن عبد الکریم بن رضوان بن عبد. (۱۳۲۵). مختصر الصواعق المرسله علی الجهمیه و المعطله. ریاض: اضواء السلف.
۳. ابن عاشور، محمد طاهر. (۱۴۲۰ق). تفسیر التحریر و التویر المعروف بتفسیر ابن عاشور (چاپ اول). بیروت: مؤسسه التاریخ العربی.
۴. ابن عربی، محمد بن علی. (۱۴۱۰ق). رحمة من الرحمن فی تفسیر و اشارات القرآن (چاپ اول). دمشق: مطبعة نصر.
۵. ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم. (۱۴۲۳ق). تأویل مشکل القرآن. بیروت: دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.
۶. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی. (۱۴۰۸ق). روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن. مشهد مقدس: آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۷. اوسی، علی رمضان. (۱۳۸۱). روش علامه طباطبایی در تفسیر المیزان. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین الملل.
۸. تفتازانی، مسعود بن عمر. (۱۳۷۶). مختصر المعانی (تفتازانی) (چاپ سوم). قم: دار الفکر.
۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). مفردات ألفاظ القرآن (چاپ اول). بیروت: دار القلم.
۱۰. زحیلی، وهبه. (۱۴۱۱). التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعة و المنهج (۳۲ جلد، چاپ دوم). دمشق: دار الفکر.
۱۱. زرکشی، محمد بن بهادر. (۱۴۱۰ق). البرهان فی علوم القرآن. بیروت: دار المعرفة.
۱۲. زمخشری، محمود بن عمر. (۱۴۰۷ق). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل (چاپ سوم). بیروت: دار الکتب العربی.
۱۳. سکاکی، یوسف بن ابی بکر. (بی تا). مفتاح العلوم. بیروت: دار الکتب العلمیه.

۱۷۵

مطالعات قرآنی

مجاز در قرآن و شرایط آن با تأکید بر دیدگاه علامه طباطبایی



١٤. سيوطي، عبدالرحمن بن ابي بكر. (١٤٢١ق). الإلتقان في علوم القرآن (چاپ دوم). بيروت: دار الكتاب العربي.
١٥. شريف الرضى، محمد بن حسن. (١٤٠٦ق). حقائق التأويل في مشابه التنزيل. بيروت: دار الأضواء.
١٦. شريعتي سبزواري، محمدباقر. (١٣٨٧). تحريرى بر اصول فلسفه و روش رئاليسم (چاپ دوم). قم: مؤسسه بوستان كتاب.
١٧. شنيطى، محمدامين بن محمد المختار الجكنى. (بى تا). منع جواز المجاز فى المنزلك للتعبّد و الإعجاز. مكه: دار عالم الفوائد للنشر و التوزيع.
١٨. طباطبايى، محمدحسين. (١٣٩٠ق). الميزان فى تفسير القرآن (چاپ دوم). بيروت: مؤسسة الأعلمى للمطبوعات.
١٩. طبرسى، فضل بن حسن. (١٣٧٢). مجمع البيان فى تفسير القرآن (چاپ سوم). تهران: ناصر خسرو.
٢٠. طبرسى، فضل بن حسن. (١٤١٢ق). تفسير جوامع الجامع. قم: مركز مديريت حوزه علميه قم.
٢١. طوسى، محمد بن حسن. (بى تا). التبيان فى تفسير القرآن. بيروت: دار إحياء التراث العربى.
٢٢. فخر رازى. محمد بن عمر. (١٤٢٠ق). التفسير الكبير (مفاتيح الغيب) (چاپ سوم). بيروت: دار إحياء التراث العربى.
٢٣. فراهيدى، خليل بن احمد. (١٤٠٩ق). كتاب العين (چاپ دوم). قم: نشر هجرت.
٢٤. فيروزآبادى، محمد بن يعقوب. (١٤١٥ق). القاموس المحيط. بيروت: دار الكتب العلمية.
٢٥. قمى مشهدى، محمد بن محمدرضا. (١٣٦٨). تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى.
٢٦. كمالى دزفولى، على. (١٣٧٢). قرآن ثقل اكبر. قم: اسوه.
٢٧. محمدى باميانى، غلامعلى. (بى تا). دروس فى البلاغة (شرح مختصر المعانى للتفتازانى) (چاپ اول). بيروت: مؤسسة البلاغ.
٢٨. مدرس افغانى، محمدعلى. (١٣٦٢). المدرس الأفضّل فيما يرمز و يشار إليه فى المطول (چاپ اول). قم: دار الكتاب.

۲۹. مدنی، علی خان بن احمد. (۱۳۸۴). الطراز الأول و الكناز لما عليه من لغة العرب المعول. مشهد مقدس: مؤسسة آل البيت عليه السلام لاحياء التراث.
۳۰. مرتضی زبیدی، محمد بن محمد. (۱۴۱۴ق). تاج العروس من جواهر القاموس. بیروت: دار الفكر.
۳۱. مصطفوی، حسن. (۱۳۸۰). تفسیر روشن. تهران: مرکز نشر کتاب.
۳۲. المطعنی، عبدالعظیم. (۱۴۰۶ق). المجاز فی اللغة. قاهره: مکتبه وهبه.
۳۳. مطلوب، احمد. (بی تا). أسالیب بلاغیة الفصاحة البلاغة المعانی. کویت: وكالة المطبوعات.
۳۴. معرفت، محمدهادی. (۱۳۸۵). التأویل فی مختلف المذاهب و الآراء. تهران: المجمع العالمی للتقريب بين المذاهب الإسلامية، المعاونة الثقافية، مرکز التحقیقات و الدراسات العلمیة.
۳۵. هاشمی، احمد. (۱۳۸۱). جواهر البلاغة (چاپ پنجم). قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.

**References**

\* *The Holy Quran.*

1. Abu al-Futuh al-Razi, H. (1408 AH). *Rawd al-Jannan va Ruh al-Jannan fi Tafsir al-Qur'an*. Holy Mashhad: Astan Quds Razavi, Islamic Research Foundation. [In Arabic]
2. Al-Mutani, A. (1406 AH). *al-Majaz fi al-Loqah*. Cairo: Maktabah Wahba. [In Arabic]
3. Fakhr Razi. M. (1420 AH). *Al-Tafsir al-Kabir (Mafatih al-Ghayb)*. (3<sup>rd</sup> ed.). Beirut: Dar Ihya al-Torath al-Arabi al-Torath al-Arabi. [In Arabic]
4. Farahidi, Kh. (1409 AH). *Kitab Al-Ain*. (2<sup>nd</sup> ed.). Qom: Hijrat Publications. [In Arabic]
5. Firuzabadi, M. (1415 AH). *al-Qamous al-Mohit*. Beirut: Dar Al-Kotob Al-Ilmiyah. [In Arabic]
6. Hashemi, A. (1381 AP). *Jawahir al-Balaghiyah*. (5<sup>th</sup> ed.). Qom: Qom Seminary Management Center. [In Persian]
7. Ibn Arabi, M. (1410 AH). *Rahmah min al-Rahman fi Tafsir va Isharat al-Qur'an*. (1<sup>st</sup> ed.). Damascus: Nadr Press. [In Arabic]
8. Ibn Ashour, M. T. (1420 AH). *Tafsir al-Tahrir va al-Tanwir al-Ma'ruf ba Tafsir Ibn Ash'ur*. (1st ed.). Beirut: Arab History Institute. [In Arabic]
9. Ibn Qayem, M. (1325). *Mukhtasar al-Sawa'eq al-Morsalah ala al-Jahmiyah va al-Mu'atalah*. Riyadh: Azwa' al-Salaf. [In Persian]
10. Ibn Qutaybah, A. (1423 AH). *Ta'awil Mushkel al-Qur'an*. Beirut: Dar al-Kotob al-Ilmiyah, Muhammad Ali Bayzun Publications. [In Arabic]
11. Ibn Taymiyyah al-Harrani, A. (1416 AH). *al-Iman*. (5th ed.). Beirut: al-Maktab al-Islami. [In Arabic]
12. Kamali Dezfuli, A. (1372 AP). *Quran Thiqal Akbar*. Qom: Osweh. [In Persian]
13. Ma'arefat, M. H. (1385 AP). *al-Ta'awil fi Mukhtalaf al-Mazahib va al-Ara'*. Tehran: World Association for the Approximation of Islamic Religions, Cultural Deputyship, Center for Scientific Research and Studies. [In Arabic]
14. Madani, A. (1384 AP). *al-Taraz al-Awal va al-Kanaz lima Alayhe min Loqah al-Arab al-Ma'ul*. Mashhad: Mua'sisah AlulBayt le Ihya al-Torath. [In Persian]

15. Matloub, A. (n.d.). *Asalib Balaghiyah al-Fasahah al-balaghah al-Ma'ani*. Kuwait: Wikalah al-Matbu'at.
16. Modares Afghani, M. A. (1362 AP). *al-Modares al-Afzal fima Yormaz va Yoshar Ilayhe fi al-Motawal*. (1st ed.). Qom: Dar Al-Kitab. [In Persian]
17. Mohammadi Bamiani, Q. A. (n.d.). *Dorus fi al-Balaghah. Sharh Mukhtasar al-Ma'ani le al-Taftazani*. (1st ed.). Beirut: Mu'asisah al-Balagh.
18. Murtaza Zubaydi, M. (1414 AH). *Taj al-Arous min Jawahir al-Qamous*. Beirut: Dar al-Fikr. [In Persian]
19. Mustafavi, H. (1380 AP). *Clear interpretation*. Tehran: Book Publishing Center. [In Persian]
20. Osi, A. (1381 AP). *Allameh Tabatabai's method in interpreting Al-Mizan*. Tehran: Islamic Propaganda Organization, International Publishing Company. [In Persian]
21. Qomi Mashhadi, M. (1368 AP). *Tafsir Kanz al-Daqa'eq va Bahr al-Qara'eb*. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance. [In Persian]
22. Ragheb Isfahani, H. (1412 AH). *Mufradat alfaz al-Qur'an*. (1<sup>st</sup> ed.). Beirut: Dar al-Qalam. [In Arabic]
23. Sakaki, Y. (n.d.). *Miftah al-Olum*. Beirut: Dar Al-Kotob Al-Ilmiyah.
24. Shariati Sabzevari, M. B. (1387 AP). *Writing on the Principles of Philosophy and the Method of Realism*. (2<sup>nd</sup> ed.). Qom: Bustan Kitab Institute. [In Persian]
25. Sharif al-Radhi, M. (1406 AH). *Haqa'eq al-Taa'wil fi Motashabah al-Tanzil*. Beirut: Dar al-Azwa'. [In Arabic]
26. Shenqiti, M. (n.d.). *Man'e Jawaz al-Majaz fi Monazal le al-Ta'id va al-Ijaz*. Mecca: Dar Alem al-Fawa'id al-Nashr va al-Tawzi'.
27. Soyouti, A. (1421 AH). *Al-Taqaq fi Olum al-Qur'an*. (2<sup>nd</sup> ed.). Beirut: Dar Al-Kotob Al-Arabi. [In Arabic]
28. Tabarsi, F. (1372 AP). *Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*. (3rd ed.). Tehran: Nasser Khosrow. [In Persian]
29. Tabarsi, F. (1412 AH). *Tafsir Jawame' al-Jame'*. Qom: Qom Seminary Management Center. [In Arabic]

۱۷۹

مجله مطالعات قرآنی

مجاز در قرآن و شرایط آن با تأکید بر دیدگاه علامه طباطبائی

30. Tabatabaei, M. H. (1390 AH). *Al-Mizan Fi Tafsir Al-Quran*. (2<sup>nd</sup> ed.). Beirut: Mu'asisah al-A'alami le al-Matbu'at. [In Arabic]
31. Taftazani, M. (1376 AP). *Mukhtasar al-Ma'ani*. (Taftazani). (3<sup>rd</sup> ed.). Qom: Dar al-Fikr. [In Persian]
32. Tusi, M. (n.d.). *al-Tebyan fi Tafsir al-Qur'an*. Beirut: Dar Ihya al-Toras al-Arabi al-Torath al-Arabi.
33. Zamakhshari, M. (1407 AH). *al-Kashaf an Haqa'eq Qavamiz al-Tanzil va Oyoun al-Aqaweel fi Wojooth al-Ta'awil*. (3<sup>rd</sup> ed.). Beirut: Dar Al-Kitab Al-Arabi. [In Arabic]
34. Zarkashi, M. (1410 AH). *al-Borhan fi Olum al-Qur'an*. Beirut: Dar Al-Ma'rifah. [In Arabic]
35. Zohaili, W. (1411 AH). *Tafsir Al-Munir fi Al-Aqeedah, va al-Sharia va al-Manhaj*. (32 vols, 2<sup>nd</sup> ed.). Damascus: Dar al-Fikr. [In Arabic]